

خدا جون سلام به روی ماهت...



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

من کدوم؟

لولا: زندگی باشکوه من

کایلا می

آرزو قلبی زاده



سرشناسه: می. کایلا . May, kyla
عنوان و نام پدیدآور: لولا: زندگی باشکوه من / کایلا می:
تصویرگر کایلا می: ترجمه‌ی آرزو قلی‌زاده.
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۹۶ص، مصور: ۲۱۰×۱۴۰س۳.
فروست: من کدوم: ۳.
شابک: دوره ۹-۲۶-۸۱۱۱-۶۰-۹۷۸-۶
شابک: ۳۰-۸۱۱۱-۶۰-۹۷۸-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: عنوان اصلی: 2013, my glamorous life, lulu:
یادداشت: گروه سنی: ج
موضوع: داستان‌های یادداشت‌گونه
موضوع: دفترچه‌های خاطرات
شناسه‌ی افزوده: قلی‌زاده، آرزو. -۱۳۷۰. مترجم
رده‌بندی دیوین: ۱۳۹۴J۱۳۹۴M۹۲۰دا
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۰۲۹۹۶



برای ۵، ۶ و ۷ ساله‌ها بخونین
۷، ۸ و ۹ ساله‌ها بخون
همه‌ی بقیه‌ها هم لذت ببرن...

مامانا، باباها، بابایزراگا، مامان بزرگا،
داداش، خواهر، عمو، خاله و...

انتشارات پرتقال
من کدوم؟
لولا: زندگی باشکوه من
نویسنده: کایلا می
مترجم: آرزو قلی‌زاده
ویراستار: گروه ویرایشی هامش
دبیر مجموعه: رامین فرزاد
مدیر هنری: شگون شریفی
گرافیکست جلد: حسین پاشازاده
گرافیکست: سپیده امینی
صفحه‌آرا: حسن محرابی
لیتوگرافی: واژه‌پرداز اندیشه
چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه
نوبت چاپ: اول - ۹۵
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۷۰۰۰ تومان

راستی تا یادم نرفته راه‌های ارتباطی ما با:



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱- ۶۳۵۶۴



www.porteghalpub.com



kids@porteghalpub.com



لوگ

زندگی باسٹوہ منی

کایلا می
آرزو قلی زادہ



مقدمه‌ی ناشر



سلام

تو کلاس چندمی؟

ما سه تا دوست بودیم که با اومدن میکا شدیم چهارتا و حالا بهترین

دوستای دنیا، که ما بهش می‌گیم «ب.د.د»، کنار هم هستن 

خوشحال می‌شیم تو هم با خوندن این کتابا با ما آشنا بشی و بعد

برامون از خودت بنویسی که ما هم بشناسیمت و بهترین دوستای دنیا

همین طوری زیاد بشن و زیاد بشن.

اگه دوست داشتی برامون بنویسی، مث ما یه دفتر بردار و شروع کن به

نوشتن از خودت، دوستات، چیزایی که دوس داری و البته چیزایی که

حرصت رو در میاره!

بعد نوشته‌هات رو بده به مامان و بابا که برامون بفرستن.

مامانا و باباها هم از نوشته‌های بچه‌ها عکس بگیرن یا تایپشون کنن و

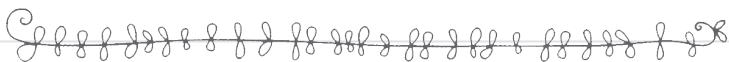
برامون به Farzad.ramtin@gmail.com ایمیل کنن.



فهرست



۱	فصل ۱: غافل گیری!
۹	فصل ۲: دخترونه!
۱۸	فصل ۳: جی دا و آدا
۲۴	فصل ۴: درون کیف!
۳۰	فصل ۵: دوست یا دشمن؟
۳۸	فصل ۶: نامه‌ی ویژه
۴۸	فصل ۷: از تعجب، شاخ در آوردم!
۵۷	فصل ۸: یکی را بردار!
۶۲	فصل ۹: مقاوم در برابر کیتی
۶۸	فصل ۱۰: لو... چی؟
۷۹	فصل ۱۱: نور، دوربین، حرکت!
۸۵	فصل ۱۲: دخترونه‌ها!







فصل 1



عافل گیری!

سه شنبه

دفترچه جان!

خیلی خوش حالم که بالأخره همه‌ی حرف‌هایم را نوشتم.
برای همین، می‌خواهم دوباره این کار را انجام بدهم.

دفترچه جان...

از وقتی دوستانم کی‌کی و کوکو
دفترچه‌ی خاطرات دارند، من هم دلم
می‌خواست یک دفتر مثل تو داشته
باشم. وقتی امروز در مدرسه، درِ کمد
را باز کردم، دیدم تو آنجایی و با یک
روبان خیلی زیبا کادو شده‌ای.





کی کی و کوکو پول هایشان را پس انداز کرده بودند تا تو را برای من بخرند. حالا در گروه «بادکنکا»، هر کدام از ما یک دفترچه داریم.

حتماً با خودت می گویی گروه بادکنکا چیست؟
 خُب، این همان «باشگاه دختران کوچهی نیلوفر آبی» است. کوچهی نیلوفر آبی، یعنی زیباترین محلهی شهر، جایی که همهی اعضای گروه بادکنکا در آن زندگی می کنند.



شاید این دفعه از خودت بپرسی دخترهای گروه «بادکنکا» چه کسانی هستند؟ مگر نه؟

اولین عضو آن خودم هستم: لولا لیزت لیونز...

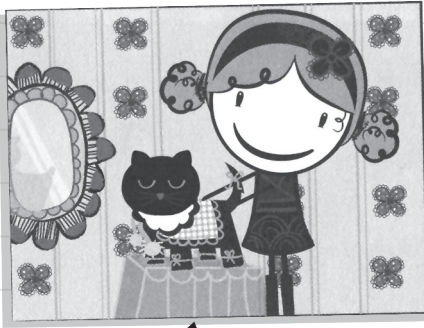
بوسکتو گربهی من که
 خیابان می کنه
 سته!



۱. اسم بادکنکا از حرف اول عبارت «باشگاه دختران کوچهی نیلوفر آبی» ساخته شده؛ با یک «ک» اضافه برای بهتر خوانده شدن!

و حالا «ب.د.د.»هایم: کی کی یک طراح لباس فوق العاده است.

کی کی



...مکسی

اسم دوست دیگرم کوکوست. کیک پزی کوکو حرف ندارد.

کوکو



ایوی

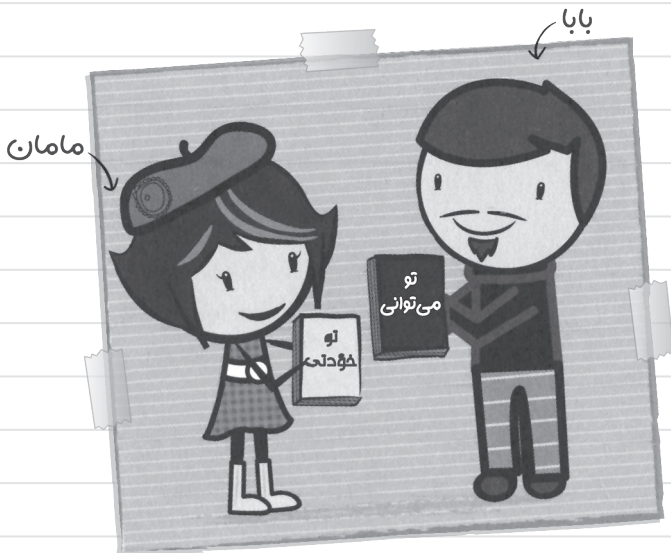
خوش شانس

برنامه‌ی هفتگی باشگاه دختران کوچه‌ی نیلوفر آبی

یکشنبه	شنبه	جمعه	پنج‌شنبه
روز تعطیلی نیلوفر آبی	کیک‌پزی	مهمانی	روز تعطیلی نیلوفر آبی
	پختن کیک فنجانی	فیلم دیدن، نقیلا خوردن و گپ زدن	
	آشپزخانه‌ی کوکو	خانه‌ی کی‌کی، لولا یا کوکو	



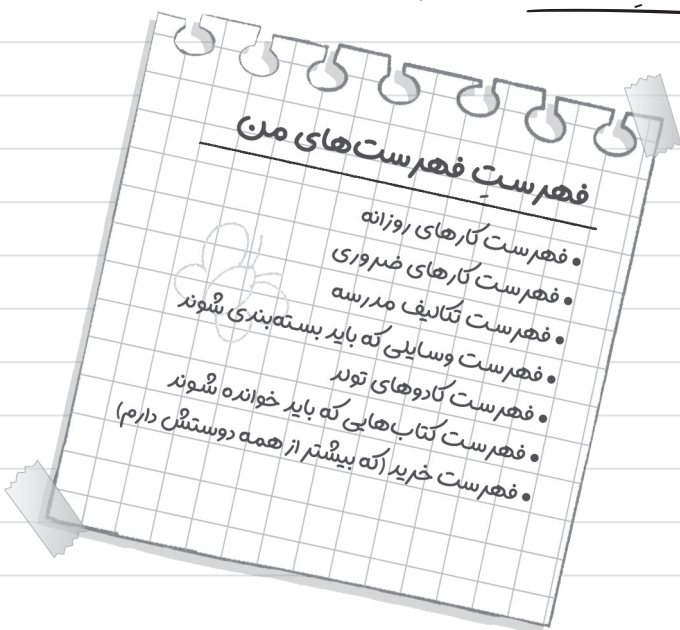
غیر از بهترین دوستانم، خانواده‌ام
 مهم‌ترین آدم‌های زندگی من
 هستند. پدر من فرانسوی است،
 یعنی اهل فرانسه است؛ او و مادرم
 نویسنده هستند. به کتاب‌هایی
 که آن‌ها می‌نویسند، «خودآموز»
 می‌گویند. این کتاب‌ها به مردم
 کمک می‌کنند که خودشان به تنهایی
 یاد بگیرند؛ به خاطر همین، خیلی
 مفید هستند.





راستی من یک خواهر بزرگ تر هم دارم که اسمش سانتل است و در دبیرستان درس می خواند. سانتل دختر خیلی خوبی است. همه ی اعضای گروه «بادکنکا» دوست دارند یک روز مثل او بشوند.

یک چیز خیلی مهم که باید راجع به من بدانی، این است که من عاشق نوشتن فهرست هستم. اینجا یک فهرست از انواع فهرست هایی که دوست دارم درست کنم، نوشته ام. البته خودم اسمش را فهرست فهرست ها گذاشته ام.





برای هرکاری می‌شود فهرست درست کرد. فهرست‌ها خیلی مفیدند و می‌توانند در بهتر فکر کردن و منظم بودن به ما کمک کنند.

خُب دیگر، من باید تکالیف مدرسه‌ام را انجام بدهم و کمی بخوابم. اما نگران نباش دفترچه جان، فردا بیشتر برایت تعریف می‌کنم.



فصل ۲

دخترونه!

چهارشنبه

کارهایی که باید انجام شوند:

- رفتن به مدرسه
- روز شن. پ. د.
- معرفی بیشتر خودم
- به دفترچه جانم

ش. پ. د. =

شیک و پیک کردن ده دقیقه‌ای

خُب دفترچه جان!... کجا بودیم؟

به تو گفته بودم که خیلی به نوشتن فهرست علاقه دارم، اما یک چیز دیگر که خیلی دوستش دارم، روز شیک و پیک کردن ده دقیقه‌ای است.

من عاشق این هستم که به دیگران کمک کنم تا با کارهایی مثل درست کردن مو و پوشیدن لباس‌های مناسب، قشنگ‌تر به نظر برسند.



این مدل موی جدید را که در روز
شیک و بیک کردن ده دقیقه‌ای برای
کی درست کرده‌ام، ببین!

حالا ببین موهای کوکو را چطور
مرتب و زیبا کرده‌ام!



یک چیز عالی دیگر که خیلی دوستش دارم: پِنلوپه گلیتره! او ستاره‌ی
فیلم‌های سینمایی «کار آگاه سالی» است که من و بقیه‌ی دوستان
صمیمی‌ام حسابی به او علاقه داریم. سلیقه‌ی من و پِنلوپه خیلی شبیه هم
است.

علاقه‌مندی‌های پنازیه

ظاهر بی نظیر =

یعنی مرتب و
زیبا بودن

• ظاهر شیک و بی نظیر



• تمیز و مرتب بودن

• گرفتن جایزه

• مراسم فرش قرمز

• مجله‌های طراحی لباس

مراسم فرش قرمز =

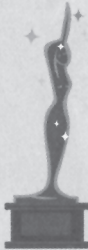
یک پوریشن که آدم‌های
معروف در آن شرکت
می‌کنند.



علاقه‌مندی‌های لولا

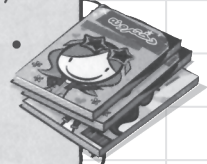
• ظاهر شیک و بی نظیر

• گرفتن جایزه (یک بار در مسابقه‌ی املا در
مدرسه دوم شدم.)



• مراسم فرش قرمز (البته من تا به حال
در چنین مراسمی شرکت نکرده‌ام، اما پیراهن
قرمز مادرم، می‌تواند فرش قرمز خوبی باشد.)

• مجله‌های طراحی لباس





اینجا را ببین. من مجله‌های طراحی لباس را می‌خوانم تا برای طراحی لباس‌های قشنگ و جدید، فکرها و ایده‌های جالب پیدا کنم. فکر کنم امروز خیلی خوش‌شانس هستم... عکس پِنلوپه گلیتر روی جلد مجله‌ی «دخترونه» است. حتماً به خاطر نامه‌های هفته‌ی پیش است. چطور تا حالا ندیده بودمش؟ خیلی مشتاقم بینم توی مجله چی نوشته‌اند. اصلاً نمی‌توانم صبر کنم.



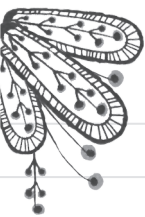
باورت نمی‌شود دفترچه جان! مجله‌ی «دخترونه» یک مسابقه ترتیب داده و جایزه‌اش هم به کسی می‌رسد که بیشتر از همه شبیه پَنلُوپه گِلیتر در نقش کارآگاه سالی باشد. در هر کدام از این فیلم‌ها، پَنلُوپه گِلیتر خودش را به شکل یک جاسوس مخفی درمی‌آورد تا بتواند معمای جدیدی را حل کند. تنها کاری که باید برای دور اول مسابقه بکنم، این است که یک عکس برای مسابقه بفرستم و در آن خودم را شبیه یکی از نقش‌هایی کنم که پَنلُوپه در فیلم «کارآگاه سالی» بازی کرده است. برای برنده شدن باید از سه مرحله گذشت و بعد از آن، برنده می‌تواند به پیش‌نمایش فیلم جدید «کارآگاه سالی» برود و پَنلُوپه گِلیتر را از نزدیک ببیند.

پیش‌نمایش =

اولین بار که یک نمایش یا فیلم نشان داده می‌شود.

تازه فقط همین نیست. برنده می‌تواند روی فرش قرمز قدم بزند و با پَنلُوپه گِلیتر عکس یادگاری ببیند. از همه مهم‌تر اینکه عکس آن‌ها در مجله‌ی «دخترونه» چاپ می‌شود!





می دانی این یعنی چی؟ یعنی من می توانم پَنلُوپه گِلیتر را از نزدیک
بینم و با او آشنا شوم.

ولی اینجا نوشته برای ثبت نام تا جمعه وقت داریم. یعنی فقط دو روز
دیگر باقی مانده است. وای! باید به کی کی و کوکو زنگ بزنم.

من: «بچه‌ها به نظرتون توی این مسابقه

ثبت نام کنم؟»

کی کی: «کوکو، یعنی لولا داره این سؤال رو جدی

می پرسه؟»

کوکو: «نه، فکر نکنم.»

کی کی و کوکو: «هیچ کس مثل تو با فیلمای

کار آگاه سالی آشنا نیست. تو باید حتماً توی

این مسابقه شرکت کنی!!!»